

The Ruling on Excessive Waste Production from the Perspective of Imamiyyah Jurisprudence

Seyyed Mohammad Meisam Hoseini Motevalli¹, Salman Bahjati Ardakani²

¹ Level 4 student, Qom Seminary, Qom, Iran. mitevally@gmail.com

² Ph.D., Qom Seminary, Qom, Iran. salmanbahjati@gmail.com

Abstract

The objective of the present research is to examine the jurisprudential ruling (ḥukm taklīfī) on excessive waste production from the perspective of Imamiyyah jurisprudence. The research method is descriptive-analytical, and the results indicate that excessive waste production, if it results from improper utilization of goods or discarding items that are still usable, is considered an instance of wastefulness (isrāf). Furthermore, if it is possible to produce less waste, given its destructive effects on the environment and the generation of various diseases, excessive waste production constitutes an example of "harming oneself" (idrār bi nafs) and "harming others" (idrār bi ghayr). In addition to the evidence prohibiting absolute wastefulness, narrations that interpret "discarding waste" (il-qā' al-nawā) as wastefulness also indicate the prohibition of this act due to its wasteful nature. Although jurists have not explicitly addressed this issue, their statements in certain discussions, such as discarding impurities (mutanajjisāt) or discarding small quantities of water (qalīl), can be applied to this matter. Since the primary basis for jurists' rulings on the prohibition of "harming oneself" and "harming others" is reason ('aql) and narrations—particularly the ḥadīth "lā ḍarar" (no harm)—any harm that reason and rational individuals consider oppressive and reprehensible, or that custom ('urf) deems harmful, falls under these two rulings. Excessive waste production is an example of both these rulings.

Keywords: Waste, Environment, Jurisprudence (Fiqh), Wastefulness (Isrāf), Harming Oneself (Idrār bi Nafs), Harming Others (Idrār bi Ghayr).

Cite this article: Hoseini Motevalli, S.M.M & Bahjati Ardakani, S. (2025). The Ruling on Excessive Waste Production from the Perspective of Imamiyyah Jurisprudence. *Journal of Social Jurisprudence researchs*, 1(1): p. 89-112.

Received: 2024-12-19 ; **Revised:** 2025-02-01 ; **Accepted:** 2025-02-22 ; **Published online:** 2025-03-25

© The Author(s).

Article type: Research Article

Publisher: Baqir al-Olum University

حکم تکلیفی تولید زیاد پسماند از منظر فقه امامیه

سید محمدمیشم حسینی متولی^۱، سلمان بهجتی اردکانی^۲

^۱ سطح ۴ خارج حوزه علمیه قم، قم، ایران. mitevally@gmail.com

^۲ دکتری، حوزه علمیه قم، قم، ایران. salmanbahjati@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی حکم تکلیفی تولید زیاد پسماند از منظر فقه امامیه است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد، تولید زیاد پسماند چنانچه ناشی از بهره‌وری ناصحیح از کالا یا دور ریختن اشیائی باشد که هنوز بهره بردن از آن امکان دارد، مصداق اسراف تلقی شده و از طرفی، اگر امکان تولید کمتر پسماند باشد، با توجه به آسیب‌های مخرب آن به محیط زیست و ایجاد بیماری‌های گوناگون تولید زیاد پسماند، مصداق از «اضرار به نفس» و «اضرار به غیر» است. علاوه بر ادله ناهی از مطلق اسراف، روایاتی که از «القاء النوی» به اسراف تعبیر کرده‌اند نیز بر حرمت این عمل به جهت اسراف بودن آن دلالت دارند. فقهاء هرچند از این مسأله نامی نبرده‌اند، اما عبارات ایشان در برخی از مباحث همچون دور ریختن متنجسات یا دور ریختن آب قلیل را می‌توان بر این مسأله تطبیق داد. از آنجا که عمده دلیل فقهاء برای حکم به حرمت «اضرار به نفس» و حرمت «اضرار به غیر»، عقل و روایات -به خصوص حدیث «لاضرر»- است، آن آسویی که عقل و عقلاء، آن را ظلم شمرده و قبیح باشد، یا آن چیزی که عرف آن را ضرر بدانند، موضوع این دو حکم است و تولید زیاد پسماند مصداق برای هر دو این احکام است.

کلیدواژه‌ها: پسماند، محیط زیست، فقه، اسراف، اضرار به نفس، اضرار به غیر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

استاد به این مقاله: حسینی متولی، سید محمدمیشم؛ بهجتی اردکانی، سلمان (۱۴۰۳). حکم تکلیفی تولید زیاد پسماند از منظر فقه امامیه. پژوهش‌های فقه اجتماعی، (۱۱)، ص ۸۹-۱۱۲.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۹؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۱/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۴؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۱/۱۵

ناشر: دانشگاه باقرالعلوم (ع)

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



۱. مقدمه

گسترش جوامع و تولید روزافزون کالاهای جدید در کنار گسترش فرهنگ مصرف‌گرایی، معضلات متعددی را برای جوامع بشری و نیز محیط زیست ایجاد کرده است. از جمله آنها، تولید بیش از حد زباله بوده که تبدیل به یک مسأله جهانی شده است. این مسأله، علاوه بر ایجاد مشکلات متعدد و جدی زیست‌محیطی، باعث شیوع بسیاری از بیماری‌ها و تهدید سلامت جوامع بشری است. البته پسماند، کارکردهای نویی در جوامع یافته‌است؛ از قبیل تولید برق، تولید مصالح ساختمانی، تولید سوخت و ... هرچند همه این موارد، مرهمی برای این مشکل محسوب می‌شوند؛ اما هنوز مسأله تولید زیاد پسماند، از جمله معضلات و مشکلات جدی جوامع محسوب می‌شود.

به همین جهت، چه بسا اگر حرمت فقهی تولید زیاد پسماند اثبات شود، زمینه‌ای مهم برای فرهنگ‌سازی، وضع قوانین و حتی الزام حکومت‌ها برای تلاش در این مورد مهیا شود؛ که می‌تواند به ارائه راهکارهایی برای جلوگیری و مقابله با این معضل مهم بیانجامد.

در رابطه پسماند و فقه، نوشته‌های متعددی وجود دارد که بیشتر آنها به مسأله مالکیت پسماندها پرداخته‌اند؛ همچون مقاله «بررسی فقهی و حقوقی مالکیت پسماندهای جامد شهری» اسماعیل نعمت‌اللهی (۱۴۰۳) و مقاله «فقه و مدیریت پسماند» نوشته عبدالصالح شمس‌اللهی (۱۳۹۹) که به مسأله حکم فقهی تولید زیاد پسماند، به صورت مجمل پرداخته است. به همین جهت، پرداختن به این مسأله به صورت مفصل در یک پژوهش جداگانه ضرورت می‌یابد.

۱-۱. مفهوم پسماند

پسماند به مواد جامد، مایع و گاز (غیر از فاضلاب) گفته می‌شود که به طور مستقیم یا غیر مستقیم حاصل از فعالیت مرتبط با انسان بوده و تولیدکننده، آن را زائد می‌شمارد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۴۳۰). پسماند را می‌توان از جهات گوناگونی تقسیم کرد؛ از جمله پزشکی، کشاورزی، صنعتی و ویژه که در ماده ۲ قانون مدیریت پسماند، مصوب مجلس شورای اسلامی آمده است.

۱) پسماندهای عادی به همه پسماندهایی گفته می‌شود که به طور معمول از فعالیت‌های روزمره انسان‌ها در شهرها، روستاها و خارج از آنها تولید می‌شود، از قبیل زباله‌های خانگی و نخاله‌های ساختمانی.

۲) پسماندهای کشاورزی به پسماندهای ناشی از فعالیت‌های تولیدی در بخش کشاورزی گفته می‌شود. از قبیل فضولات، لاشه حیوانات (دام، طیور و آبزیان) محصولات کشاورزی فاسد یا غیرقابل مصرف.

۳) پسماندهای صنعتی به همه پسماندهای ناشی از فعالیت‌های صنعتی و معدنی و پالایشگاهی صنایع گاز، نفت و پتروشیمی و نیروگاهی و امثال آن گفته می‌شود. از قبیل بُراده‌ها، سرریزها و لجن‌های صنعتی.

۴) پسماندهای پزشکی یا بیمارستانی، به همه پسماندهای عفونی و زیان‌آور ناشی از فعالیت مراکز بهداشتی، درمانی، بیمارستان‌ها، آزمایشگاه‌های تشخیص طبی و مراکز مشابه گفته می‌شود. پسماندهای خطرناک بیمارستانی از شمول این تعریف خارج است.

۵) پسماندهای ویژه، به کلیه پسماندهایی گفته می‌شود که به خاطر بالا بودن حداقل یکی از خواص خطرناک از قبیل سمیت، بیماری‌زایی، قابلیت انفجار یا اشتعال، خوردگی و مشابه آن، به مراقبت ویژه نیاز دارند و آن دسته از پسماندهای پزشکی و نیز بخشی از پسماندهای عادی، صنعتی، کشاورزی که نیاز به مدیریت خاص دارند، جزء پسماندهای ویژه شمرده می‌شوند.

۲. حکم فقهی تولید زیاد پسماند

تولید پسماند از اموری است که ناگزیر از آن بوده و چاره‌ای از آن نیست؛ اما تولید زیاد آن از جهاتی می‌تواند متعلق حکم تکلیفی باشد. از طرفی، تولید زیاد پسماند اگر ناشی از بهره‌بری ناصحیح از کالا یا دور ریختن اشیائی باشد که هنوز بهره بردن از آن امکان دارد، می‌تواند مصداق اسراف و احکام ناشی از آن تلقی شود. از طرفی هم، چنانچه امکان تولید کمتر پسماند باشد، با توجه به آسیب‌های مخرب آن به محیط زیست، تولید زیاد پسماند می‌تواند مصداقی از ضرر رساندن به دیگران و احکام ناشی از آن فرض شود.

۲-۱. تولید زیاد پسماند و اسراف

برخی از فقهای معاصر در کتب و استفتانات خود، به این مسأله اشاره دارند. شیرازی استفاده بیش از اندازه از منابع طبیعی، که روی دیگر تولید زیاد زباله و پسماند است را، باعث از بین رفتن پوشش سبز زمین و گسترش صحراء و آسیب‌های زیست‌محیطی متعددی دانسته و آن را از گونه اسراف‌هایی شمرده که انسان را از محیط‌زیست محروم می‌سازند (حسینی شیرازی، ۱۴۲۰ق، ص ۲۲۸). آیت‌الله خامنه‌ای در پاسخ به استفتائی به دور ریختن کاغذهای قابل بازیافت از جهت اسراف، اشکال کرده‌اند (آیا دور انداختن اوراقی که در یکی از دو طرف آن چیزی نوشته نشده است، اسراف محسوب می‌شود یا خیر؟ جواب: اوراقی که امکان استفاده از آن در صنعت کارتن‌سازی و مانند آن وجود دارد و یا بر یک طرف آن نوشته شده است و طرف دیگر آن قابل استفاده برای نوشتن است، سوزاندن و دور انداختن آنها به علت وجود شبهه اسراف، خالی از اشکال نیست) (خامنه‌ای، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۶).

۲-۱-۱. ادله حرمت اسراف در تولید پسماند

افزون بر اطلاقات ادله اسراف همچون آیات «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف، ۳۱)، «وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ» (اسراء، ۲۷) و روایت داود رقی از امام صادق (ع) (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۲) که حضرت فرمود: «إِنَّ الْقَصْدَ أَمْرٌ يَحِبُّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، وَإِنَّ السَّرْفَ أَمْرٌ يَبْغِضُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ» (همان) این موضوع را شامل می‌شوند، از روایات متعددی که دور انداختن هسته

خرما را اسراف شمرده‌اند نیز می‌توان با الغاء خصوصیت از موضوع آنها، نهی از دور ریختن اشیاء قابل استفاده را برداشت کرد. صاحب وسائل، این روایات را در باب «كَرَاهَةُ اِثْتِدَالِ ثَوْبِ الصَّوْنِ وَ اِرَاقَةِ فَضْلِ الْإِنَاءِ وَ طَرَحِ النَّوَى يَمِينًا وَ شِمَالًا وَ قَطْعِ الدَّرَاهِمِ وَ الدَّنَانِيرِ» آورده است (عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۵۱). روایاتی همچون روایت اسحاق بن عمار از امام صادق (ع) که حضرت فرمود: «أَذْنَى الْإِسْرَافِ هِرَاقَةُ فَضْلِ الْإِنَاءِ وَ اِثْتِدَالُ ثَوْبِ الصَّوْنِ وَ اِلْقَاءُ النَّوَى» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۶۰). علامه مجلسی وجه اسراف شمرده شدن این کار را امکان بهره‌برداری از آن، هرچند توسط دیگران برشمرده است و موارد دیگری که بهره‌برداری و استفاده از آن امکان دارد را همچون دورانداختن هسته خرما دانسته است (مجلسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۵۶). از نظر سلطان العلماء نیز نهی در این روایت، اعم از هسته خرما است و هرچیزی که بهره‌برداری از آن امکان دارد، مشمول آن می‌باشد (صدوق، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۱۶۷، پانویس ۳). قاننی نیز از این روایات، حرمت از بین بردن اشیایی که عرف، آنها را مال نمی‌شمارد را استفاده کرده و موضوع این حکم را شامل آلوده کردن هوا و دریاها نیز دانسته است (قاننی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۲۸۶).

۲-۱-۲. اسراف در تولید پسماند در عبارات فقهاء پیشین

در آثار فقهای گذشته، به مسأله تولید پسماند به‌صورت مستقل، توجه نشده؛ اما می‌توان از عبارات ایشان در مسائل دیگر، برای این مسأله بهره برد.

۲-۱-۲-۱. استفاده از متنجسات در عبارات فقهاء پیشین

یکی از مسائل مشابه و قابل استفاده در مسأله پسماند، مسأله «فائده بردن از متنجسات» است؛ که از نظر برخی از فقهاء، متنجسات هرچند آلوده به نجاست شده‌اند، اما فائده بردن از آنها جایز است. همچون محقق اردبیلی که استدلال کرده است که آن شیء، با نجس شدن از ملکیت فرد خارج نشده و استفاده نکردن از ملک یا هدر دادن آن، اسراف و حرام است (اردبیلی، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۳۵). البته در این مسأله فتوای برخی از قداما همچون شیخ مفید، شیخ طوسی و ابن زهره به‌صورت مطلق بر حرمت بهره بردن از متنجسات است (مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۵۸۲؛ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۵؛ ابن زهره، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۱۳)؛ لکن شاید بتوان نظر شیخ انصاری در این مسأله را صحیح و نهایی برشمرد. ایشان در بحث از بیع روغن نجس، بهره بردن از متنجسات را همانند بیشتر متأخران، جایز شمرده و نظر قداما (حرمت بهره بردن از آنها) را قابل حمل بر نظر متأخران دانسته و مراد آنها را، حرمت استفاده در خوردن و آشامیدن دانسته است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۹۰).^۱ بارات فقهاء در بحث نجس شدن آب قلیل نیز مؤید این

۱. «أقول: إنَّ بَلَّ الصَّبغِ وَ الْحَتَاءَ بِذَلِكَ الْمَاءِ دَاخِلٌ فِي الْغَيْرِ، فَلَا يَحْرُمُ الْاِنتِفَاعُ بِهِمَا ... أَنَّ كَلِمَاتِ الْقَدَمَاءِ تَرْجِعُ إِلَى مَا ذَكَرَهُ الْمَتَأَخَّرُونَ، وَ أَنَّ الْمُرَادَ بِالْاِنتِفَاعِ فِي كَلِمَاتِ الْقَدَمَاءِ: الْاِنتِفَاعَاتُ الرَّاجِعَةُ إِلَى الْأَكْلِ وَ الشَّرْبِ، وَ إِطْعَامِ الْغَيْرِ، وَ بَيْعِهِ عَلَى نَحْوِ بَيْعِ مَا يَحِلُّ أَكْلُهُ».

برداشت است که در ادامه می‌آید.

۲-۲-۱. دور ریختن آب نجس شده در عبارات فقهاء پیشین

مسأله دیگری که می‌توان از عبارات علماء درباره آن، برای اسراف در پسماند استفاده کرد، مسأله نجس شدن آب قلیل است. از نظر سیدمهدی بحرالعلوم، یکی از ادله نجاست آب قلیل، روایات امرکننده به دور ریختن آب نجس شده است. درباره مراد از دور ریختن آب در آنها این احتمال را مطرح کرده، که دور ریختن آب در این روایات، کنایه از منع استفاده برای طهارت است و مؤید این برداشت را اسراف شمرده شدن دور ریختن آب دانسته است (بحرالعلوم، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۸۴). مراد سید بحرالعلوم از روایات، روایت سماعه از امام صادق (ع) است که حضرت فرمود: «عَنْ رَجُلٍ مَعَهُ إِنَاءَانِ فِيهِمَا مَاءٌ وَقَعَ فِي أَحَدِهِمَا قَذْرٌ لَا يَدْرِي أَيُّهُمَا هُوَ وَ لَيْسَ يَقْدِرُ عَلَى مَاءٍ غَيْرِهِ قَالَ: «يُهْرِيقُهُمَا وَ يَتَيَمَّمُ» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۴۸)؛ و نیز روایت عمار ساباطی از ایشان است، «سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ مَعَهُ إِنَاءَانِ فِيهِمَا مَاءٌ وَقَعَ فِي أَحَدِهِمَا قَذْرٌ لَا يَدْرِي أَيُّهُمَا هُوَ وَ حَضَرَتِ الصَّلَاةُ وَ لَيْسَ يَقْدِرُ عَلَى مَاءٍ غَيْرِهِمَا قَالَ: يُهْرِيقُهُمَا جَمِيعًا وَ يَتَيَمَّمُ» (همان، ج ۱، ص ۲۴۸).

فقهاء این روایات را در مسأله تیمم بررسی کرده و به نقل علامه، این روایات را پذیرفته‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۷۶).^۱ فقهاء در این روایات از جهات متعددی بحث کرده‌اند؛ که یکی از این جهات آن است که، آیا امر به دور ریختن آب در این روایات، تعبیدی است یا اینکه این امر کنایه از اجتناب از این آب‌ها برای کسب طهارت است؟ ظاهر عبارات شیخ مفید (مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۶۹)^۲ و شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۰۰، ص ۶)^۳ که دور ریختن آب را به صورت مطلق واجب شمرده‌اند، تعبیدی بودن آن است. اما در مقابل، عده‌ای از فقهاء این کار را واجب تعبیدی ندانسته‌اند. شهید اول، عدم وجوب این کار را نظر بهتر دانسته است (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۲۳). محقق حلی درباره امر در این روایات، احتمال داده که امر به دور ریختن، کنایه از نجاست است، نه اینکه حتماً آب دور ریخته شود؛ زیرا نگه داشتن آب به جهت فوائد دیگر آن، معقول است (محقق حلی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۱۰۴). فقهای دیگری مانند: شیخ انصاری، صاحب جواهر، آیت‌الله محسن حکیم، محقق خویی، شیخ حسین حلی و آیت‌الله تبریزی، این روایت را ظاهر در وجوب تعبیدی دور ریختن آب ندانسته‌اند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۸۵؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۰۴؛ خویی، ۱۴۱۸ق،

۱. «و سماعة و عمار و إن كانا ضعيفين، إلا أن الأصحاب تلقت هذين الحديثين بالقبول».

۲. «و لو أن إنسانا كان معه إناءان فوق في أحدهما ما ينجسه و لم يعلم في أيهما هو يحرم عليه الطهور منهما جميعا و وجب عليه إهراقهما».

۳. «و إذا كان مع الإنسان إناءان أو ما زاد عليهما، و وقع في أحدهما نجاسة و لم يعلمه بعينه، وجب عليه إهراق جميعه».

ج ۲، ص ۳۶۰؛ حکیم، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۴۳؛ حلی، ۱۳۸۲ق، ج ۱، ص ۲۴۳؛ تبریزی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۵۲۰).

با توجه به اینکه با قرینه «حضرت الصلاة» در سؤال راوی، سؤال او از مسأله علم اجمالی برای کسب طهارت بوده، امام درصدد نبوده تا شیوه برخورد با آبی که علم اجمالی به نجاست آن هست را بیان کند. از این رو نمی توان از عبارت «بهریقهما» در کلام ایشان، اطلاق فهمید و آن را واجب شمرد؛ بلکه در صورت وجود شرایط اسراف حرام، باید آن را حرام دانست؛ چنانچه صاحب حدائق، به جهت اسراف شمردن این کار، آن را حرام دانسته است (بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۵۱۶). فقهای دیگری مانند شهید ثانی، محقق خوانساری و آیت الله سیّد عبدالاعلی موسوی سبزواری، نیز فتوا به حرمت این کار داده اند.^۱

۲-۲. تولید زیاد پسماند و اضرار به نفس

یکی از موضوعات فقهی که می تواند بر تولید زیاد پسماند تطبیق شود، «اضرار به نفس» است که در ادامه بررسی می شود.

۲-۲-۱. بررسی آسیب های تولید پسماند

چنانچه گذشت، تولید پسماند امری اجتناب ناپذیر است. در رابطه با تولید زیاد پسماند باید به آمارها و آسیب های آن توجه کرد، که در دو قسم پسماندهای جامد و مایع، جداگانه بدان اشاره می شود. بنابر برخی از پژوهش ها، برخی از کشورهای دنیا مثل آفریقای جنوبی، در حالی از سال آینده در محل دفن پسماند دچار بحران می شوند که قرار گرفتن در معرض خاک چال های پسماند^۲ تا شعاع ده کیلومتری، باعث بیمارهای گوناگونی مانند سل، آسم، دیابت و حتی افسردگی می شود که طبق این مطالعات، به طور مستقیم ناشی از قرار گرفتن در معرض این خاک چال ها است. این غیر از آسیب های دیگری است که این خاک چال ها به محیط زیست وارد می کنند؛ آسیب هایی همچون آلوده کردن منابع آب زیرزمینی به جهت وجود عناصر فلزات سنگین در شیرابه این پسماندها، تخریب زیست بوم منطقه به جهت آلوده کردن آب و هوای منطقه و گسترش جوندگانی همچون موش و در نتیجه، تخریب کشاورزی

۱. لا يشترط في صحته إراقتهما قبله، بل ربما حرمت عند الحاجة إليه (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۱)؛ هل الاحتياط في الإهراق أم لا؟ فقيه: تفصيل، و هو أنه إذا كان في موضع يخاف العطش و الهلاك على نفس محترمة، فظاهراً لا احتياط ... في الإهراق، بل يجب حفظه. و لو لم يكن كذلك، لكن يتصور فيه بعض المنافع كسحب الشجر و نحوه، أو يتصور تطهيره و يخاف على إتلافه الإسراف، فحينئذٍ أيضاً لا احتياط في الإهراق (خوانساری، ۱۳۱۱ق، ج ۳، ص ۵۹۳)؛ بل لو أمكن الانتفاع المحلل به في جهة أخرى لكان الإهراق من الإسراف المحرم (موسوی سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۷۴).

۲. «خاک چال» معادلی فارسی برای کلمه "Landfil" به معنای «محل دفن زباله» است.

منطقه (Tomita & et al., 2020).

یکی از روش‌های متداول در دنیا برای مدیریت پسماندهای تولیدشده، سوزاندن آنها است که بنابر مقاله‌ای که نشریه «انجمن مدیریت پسماند و هوا» منتشر کرد، با سوزاندن مدیریت‌شده پسماندها با دستگاه‌های استاندارد آن، جیوه منتشر می‌شود، که یک عنصر سمی است (Carroll & et al., 1995). بنابر آمار منتشرشده در پایگاه اطلاع‌رسانی phys.org، سالانه نزدیک به یک میلیارد تن زباله در فضای باز و به شکل غیراصولی، سوزانده می‌شوند و ترکیباتی در آنها تشکیل می‌شوند که حداقل ۳۰ نوع از آنها برای سلامتی انسان مضر بوده و حتی به عملکرد مغز آسیب رسانده و هورمون‌ها را مختل می‌کنند. این ترکیبات، می‌توانند سال‌ها در محیط پیرامونی و نیز یک دهه یا بیشتر در بدن انسان نیز باقی بمانند. این آسیب‌ها، جدای از آسیبی است که انتشار گاز دی‌اکسیدکربن و دیگر گازهای گلخانه‌ای، با سوزاندن پسماندها به جای می‌گذارد؛ مانند: آلودگی هوا و آسیب به لایه ازن و اثرات ناشی از آن.^۱

آمارها در مورد تولید و پسماند زیاد پلاستیک نیز وحشتناک است! بنابر گزارش سازمان آگاهی زیست‌محیطی، سالانه ۴۵۰ میلیون تن پلاستیک -نزدیک به وزن کل جمعیت انسان- تولید می‌شود و این مقدار تا سال ۲۱۰۰ به ۳۰ میلیارد تن -بیش از ۴۰ برابر وزن کل جمعیت انسان خواهد بود که در این زمان بیش از ۱۱ میلیارد خواهد بود- برسد. این حجم از تولید پلاستیک در حالی است که، هر دقیقه یک کامیون زباله پلاستیکی به اقیانوس‌ها ریخته می‌شود و این آمار تا سال ۲۰۳۰، دو کامیون در دقیقه و تا سال ۲۰۵۰، چهار کامیون خواهد بود.^۲ پلاستیک‌هایی که علاوه بر اینکه منجر به از بین رفتن زیست‌بوم موجودات دریایی و خود آنها شده؛ بلکه با تبدیل شدن به میکروپلاستیک‌ها، در بدن آبزیان تجمع کرده و بنابر برخی پژوهش‌ها، تغذیه از آنها موجب ابتلاء به سرطان و بیماری‌های درونی می‌شود (اله قلی‌پور و عظیمی، ۱۴۰۱).

تولید زیاد پسماند مایع نیز، ضررهای زیست‌محیطی خاصی دارد؛ زیرا این پسماندها به جهت خواص فیزیکی خود، به راحتی در منابع آبی حل شده و در بسیاری از موارد نیز، رها شدن آنها در طبیعت، رودها، دریاچه‌ها و دریاها را از بین می‌برد. در حالی که، انتشار آنها در منابع آبی به جهت وجود عناصر و ترکیبات ویژه‌ای که در آنها هست، منجر به آلوده شدن آب‌ها به باکتری‌ها و عوامل بیماری‌زای مختلف می‌شوند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۶۶۲). انتشار پسماندهای مایع منجر به آلودگی خاک، هوا و بیمارهای واگیر نیز می‌شود (همان، ص ۴۲۷). در کتاب «بهداشت عمومی»، خطرات ناشی از نبود مدیریت صحیح پسماند به این شرح آمده است: ۱. زمینه تولید و تکثیر حشرات موذی؛ ۲. زمینه تولید و تکثیر جوندگان؛ ۳. آلودگی خاک؛ ۴. آلودگی هوا؛ ۵. آلودگی آب (همان، ص ۴۳۶). شاید این آسیب‌ها

1. <https://phys.org/news/01-2021-health-crisis-billion-tons-potentially.html>

2. <https://www.theworldcounts.com/challenges/oceans/plastic-in-the-ocean>

در نگاه اول جدی به نظر نرسد؛ اما حشرات موذی همچون مگس و پشه، بیماری‌های خاص و مهلکی را انتقال می‌دهند (همان) که تکثیر آنها، خطر ابتلاء به این بیماری‌ها را افزایش می‌دهد. همچنین تکثیر جوندگان، آسیب جدی به کشاورزی آن منطقه می‌زند. آلودگی خاک، هوا و آب نیز آسیب بسیار و جدی ایجاد می‌کنند؛ به گونه‌ای که بنابر گزارش پایگاه خبرگزاری مهر، تنها در سال ۱۳۹۱، ۳۴ حلقه از چاه‌های آب شرب استان مازندران به جهت آلوده شدن آب آنها مسدود شدند. آلوده شدن آب‌های زیرزمینی، با واسطه بر سلامت افراد نیز تأثیر می‌گذارد؛ زیرا آب‌های زیرزمینی معمولاً بدون نظارت برای آبیاری مزارع و باغات و همچنین نوشیدن دام‌ها استفاده می‌شوند و محصولات کشاورزی و دامی را نیز آلوده می‌کنند.^۱ در نتیجه این پژوهش‌ها و آمارهای فراوان دیگر، تولید زیاد پسماند منجر به آسیب‌ها و ضررهای فراوان بهداشتی و زیست‌محیطی می‌شود که در وهله نخست، متوجه خود شخص است و مصداقی برای «اضرار به نفس» می‌باشد.

۲-۲-۲. حرمت اضرار به نفس

حرمت «اضرار به نفس» به نقل سید احمد خوانساری، از مسلمّات و معروفات نزد فقهاء است (موسوی خوانساری، ۱۳۵۵، ج ۵، ص ۱۷۰). تطبیق این حکم بر «تولید زیاد پسماند»، نیازمند شناخت موضوع و ضابطه صدق اضرار حرام است؛ که با بررسی مستند حرمت اضرار به نفس روشن می‌شود.

۲-۲-۲-۱. مستند حرمت اضرار به نفس

فقهاء، مستندهای متفاوتی را مطرح کرده‌اند. از عبارات برخی، همانند سید مرتضی (علم الهدی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۸۰۹) و ابن ادریس (۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۲۵) برمی‌آید که عقل را مستند این حکم دانسته‌اند. برخی نیز مستند آن را عقل و ادله نقلی همچون قرآن و روایات دانسته‌اند؛ همچون شیخ طوسی (۱۳۸۷، ج ۶، ص ۲۸۵). برخی همچون محقق حلی، مستند این حکم را حدیث «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» دانسته (محقق حلی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۶۸۵)،^۲ و برخی مانند صاحب ریاض نیز، مستند این حکم را اجماع و روایت مزبور دانسته‌اند (طباطبایی کربلایی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۴۹)؛^۳ که این روایت، در مورد اضرار به غیر و حکم وضعی اضرار بررسی خواهد شد. ادله‌ای که فقهاء برای حرمت اضرار به نفس آورده‌اند را می‌توان چنین جمع‌بندی کرد:

(۱) آیات: برخی از فقهاء به آیاتی نظیر «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» (نساء، ۲۹) و «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى

1. mehrnews.com/xjXnn

۲. «والمريض لا يصح صومه مع التضرر لقوله عليه السلام «لا ضرر ولا إضرار» و لو تكلفه لم يصح، لأنه منهى عنه».

۳. «و ضابط المحرم ما يحصل به الضرر على البدن و افساد المزاج و الأصل فيه بعد الإجماع حديث نفي الضرر و الاضرار...».

التَّهْلُكَةِ» (بقره، ۱۹۵) و «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (بقره، ۱۷۳) و «وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا» (نساء، ۱۱۰) استناد کرده‌اند. اما استدلال به آنها برای حرمت اضرار به نفس به صورت مطلق کافی نیست؛ زیرا دو آیه اول تنها از ضرر به نفسی نهی می‌کند که منجر به قتل نفس شود، و آیه سوم نیز تنها بر اباحه برخی از محرمات برای فرد مضطر دلالت دارد و آیه چهارم هم ظاهر در این مطلب نیست و تنها با دلالت التزامی، به اجمال، ظلم به نفس را حرام دانسته است؛ اما مشخص نمی‌کند که کدام اضرار به نفسی، ظلم به نفس شمرده می‌شود.

۲) روایات: برخی از محققان، این روایات را پنج دسته کرده‌اند (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۸۱):

دسته نخست، روایات نبوی لاضرر: امامیه این روایت را به سه عبارت نقل کرده‌اند: «قال رسول الله «لا ضرر ولا ضرار» (عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۳۶۴)، قال رسول الله «لا ضرر ولا ضرار على مؤمن» (همان)، قال رسول الله «لا ضرر ولا ضرار في الاسلام» (صدوق، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۳۳۴). محققان، سند همه این روایات را صحیح یا موثق دانسته‌اند، که سبب اطمینان به صدور این روایت از پیامبر (ص) است (فخرالمحققین، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۴۸؛ بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۱۳). البته نسبت به اینکه آیا این روایت دلالت بر حرمت اضرار به نفس دارد یا خیر؟ فقهاء اختلاف نظر دارند؛ به نقل شیخ انصاری، از نظر مشهور، این روایت بر حرمت اضرار به نفس دلالت دارد (انصاری، ۱۴۱۴ق، ص ۱۱۵). در مقابل، برخی همانند خود شیخ انصاری، دلالت این روایت بر حرمت اضرار به نفس را نپذیرفته‌اند (همان، ص ۱۱۶). در قسمت «تولید زیاد پسماند و اضرار به غیر» دلالت این حدیث، بیشتر بررسی خواهد شد.

دسته دوم، روایات مربوط به افطار روزه به جهت مریضی: روایاتی همچون «كلما أضرب به الصوم فالافطار له واجب» (عاملی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۱۵۶) و روایتی که امام موسی کاظم (ع) که درباره سؤال از حد مرضی که واجب است تا روزه‌دار روزه‌اش را بشکند، پاسخ داد: «كل شيء من المرض أضرب به الصوم فهو يسعه ترك الصوم» (همان، ص ۱۵۸)؛ این روایات بر حرمت اضرار به نفس به واسطه روزه‌داری مریض دلالت یا اشعار دارند.^۱

۱. لکن برخی اشکال و جواب‌هایی در رابطه با دلالت این روایات مطرح است (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۸۴)، «ان قلت: أنّ الرجوع إلى سائر الأدلة من الروایات بل الآية المباركة يرفع هذا الاستشعار والاستدلال فإنّها تدلّ على أنّ سرّ حرمة الصيام على المرضى هو أنّ الله تعالى قد أهدى إلى عباده المرضى والمسافرين هدية الافطار ... فإذا صام المريض ردّ هدية الله تعالى ردّاً عملياً فكان صيامه بما آتاه ردّ لهدية الله معصية و كان الافطار له واجباً، و عليه فليس ايجاب الافطار للمريض إذا أضرب به الصيام دليلاً على حرمة ايراد الضرر بالنفس بل ايجاب الافطار على المريض كايحابه على المسافر من باب واحد. يلاحظ عليه: صحيح أنّ الظاهر من الآية و صريح الحديث هو أنّ حكم الافطار

دسته سوم، روایات در مورد لزوم تیمم هنگام خوف ضرر: همچون روایت از امام رضا (ع) که فرمود: «فی الرجل تصیبه الجنابة و به قروح أو جروح أو یكون یخاف علی نفسه من البرد فقال: لا یغتسل و یتیمم» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۸۵)، که این روایات نیز بر لزوم اجتناب از اضرار به نفس در اثر طهارت شرعی (وضو و غسل) با آب دلالت دارد؛ زیرا امام (ع)^۷ در صورت ترس از ضرر بر نفس، از آن نهی کردند.

دسته چهارم، روایات درباره ضرر در خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها: مانند روایت مفضل بن عمر: «قلت: لأبی عبد الله: أخبرنی جعلنی الله فداك، لم حرم الله الخمر و المیتة و الدم و لحم الخنزیر؟ قال: «إن الله تبارك و تعالی لم یحرم ذلك علی عباده و أحل لهم ما سواه من رغبة منه فیما حرم علیهم و لا زهداً فیما أحل لهم، و لكنّه خلق الخلق فعلم ما تقوم به أبدانهم و ما یصلحهم فأحلّ لهم و أباحه تفضلاً منه علیهم به لمصلحتهم و علم ما یضرّهم فنهاهم عنه و حرم علیهم ... - ثم قال: - أما المیتة فانه لا یدمنها أحد إلا ضعف بدنه و ذهبت قوته و انقطع نسله و لا یموت أكل المیتة إلا فجأة...» (صدوق، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۱۱) سند و دلالت این روایت، مورد بحث است. سند آن به جهت وجود مفضل بن عمر، محل بحث است که آیا او ثقة است یا خیر؟ در برخی از منابع رجالی همچون رجال نجاشی، تضعیف او نقل شده است (نجاشی، بی تا، ج ۱، ص ۴۱۶).^۱ از طرف دیگر، به دلیل «نقل ابن ابی عمیر از او» توثیق عام دارد (صدوق، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۸۰).^۲ به همین جهت، برخی همچون محقق خویی در نهایت او را ثقة دانسته‌اند (خوئی، بی تا، ج ۱۹، ص ۳۳۰). اما مدلول روایت، این است که علت حرمت برخی از خوردنی‌های حرام، مضر بودن آنها است. اینجا برخی همچون محقق خویی به وجوه متعددی استدلال کرده‌اند که مضر بودن در این روایت، حکمت برای حرمت است، نه علت آن (خوئی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۵۴۹). نظر محقق خویی درباره موارد جزئی، همچون مردار که در این روایت ذکر شده، صحیح است و نمی‌توان تنها علت حرمت آن را مضر بودن آن دانست؛ زیرا چه بسا مردارهایی که خوردن آنها ضرری به بدن نرساند؛ اما حرمت خوردن مردار به اطلاق خود نسبت به آنها باقی است. اما این تعبیر از روایت «علم ما یضرّهم فنهاهم عنه و حرم علیهم» به روشنی دلالت بر این مطلب دارد که اضرار به نفس، از منظر شارع دارای مفسده ملزومه است و در نتیجه، حرام است.

للمسافر و المریض هدیه و امتنان و صدقة من الله إلى العباد، إلا أننا نعلم بأن أحكام الله سبحانه علی العموم و منها امتناناته لیست اعتباریة، بل ناشئة عن حکمة الهیة بالغة ترتبط بجلب المنافع و المصالح للعباد أو دفع المضار و المفاسد عنهم. هذه الحکمة تارة تكون تعبدیة لا یفهمها البشر و علیه أن یتعبد بها، و تارة تكون واضحة للإنسان بإحیاء عقله أو بإشارة النصوص إلى وجهها. و ما نحن فیهِ من القسم الآخر ...».

۱. «مفضل بن عمر أبو عبد الله: فاسد المذهب، مضطرب الرواية، لا یعاباً به».

۲. «حدثنا أحمد بن هارون الفامی قال حدثنا محمد بن عبد الله بن جعفر الحمیری عن أبيه عن أحمد بن محمد بن عیسی عن محمد بن خالد البرقی عن محمد بن أبي عمیر عن المفضل بن عمر عن أبي عبد الله علیه السلام قال ...».

دسته پنجم، روایات اضرار به بدن: همچون روایت ابان بن تغلب: «قلت لأبي عبد الله: أنا لنسافر ولا يكون معنا نخالة فندلك بالدقيق؟ فقال: «لا بأس إنما الفساد فيما أضرب بالبدن و أتلف المال، فأما ما أصلح البدن فإنه ليس بفساد، إني ربما أمرت غلامي فلت لي النقي بالزيت فاتدلك به» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۰۰). امام صادق (ع) در این روایت، تنها مصداق فساد را اضرار به بدن و اتلاف مال دانستند و لزوم اجتناب از فساد و حرمت آن نیز روشن است.

۳) عقل: چنانچه در نقل عبارات فقهاء درباره مستند این حکم گذشت، بسیاری از فقهاء برای حرمت اضرار به نفس، به عقل تمسک کرده‌اند (علم الهدی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۸۰۹؛ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۲۸۵) (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۲۵). بنابر نظر مشهور اصولیان در مسأله حسن و قبح عقلی که حسن و قبح ذاتی منحصر در عدل و ظلم است (شهید صدر، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۵۳)^۱، حکم عقل درباره اضرار به نفس را نیز باید چنین تفسیر کرد که عقل، اضرار به نفس را از مصادیق ظلم دانسته و عقل، ظلم را قبیح می‌داند که با ضمیمه قاعده اصولی «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع» (انصاری، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷؛ نائینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۱۱؛ آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴۷۰؛ نائینی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۴۷۰) می‌توان حکم شرع نسبت به حرمت آن را نتیجه گرفت.

۴) اجماع: برخی از فقهاء، به اجماع تمسک کرده‌اند (طباطبایی کربلایی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۴۹)^۲، که با وجود استناد فقهاء به ادله دیگر، هرچند این اجماع، اجماع مدرکی بوده و بنابر مبنای مشهور، حجت نیست؛ اما کاشف از شهرت بزرگی در میان فقهاء است که می‌تواند استدلال به حرمت اضرار به نفس را تأیید کند. شاید بتوان از میان این ادله چنین جمع‌بندی کرد که عمده دلیل فقهاء برای حکم به حرمت اضرار به نفس، عقل و روایات هستند و در روایات نیز، روایت لاضرر مهم‌ترین آنها است.

۲-۲-۲. ضابطه صدق اضرار به نفس حرام

بعد از شناخت مستند حرمت اضرار به نفس، می‌توان فهمید که آن آسیبی که عقل و عقلاء آن را قبیح می‌دانند یا آن چیزی که عرف آن را ضرر می‌داند، اضرار به نفس حرام است. اما این صدق عقلی و عرفی ضوابطی دارد: ضابطه اول در صدق اضرار حرام، «نبودن غرض عقلایی» برای تحمل آن ضرر و آسیب است؛ زیرا زمانی که فرد این غرض را داشته باشد، عقل، حکم به قبح تحمل ضرر نداشته و عرف نیز چنین شخصی را در حال ضرر نمی‌بیند. محقق خوئی با بیان این مطلب، مواردی را نقل کرده که سیره عقلاء بر تحمل است (خوئی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۵۸۴). ضابطه دیگر در عبارات فقهاء برای صدق اضرار

۱. «المشهور من ان الحسن و القبح بالذات منحصر في العدل والظلم و اما غیرهما فباعثار انطباق أحدهما علیه یتصفان بالحسن و القبح».

۲. «و ضابط المحرم ما يحصل به الضرر على البدن و افساد المزاج و الأصل فيه بعد الإجماع حديث نفي الضرر و الاضرار...».

حرام، «معتنا به» بودن ضرر است؛ بدین معنا که تحمل ضررهای کوچکی که عقلاء به آن اهمیت نمی‌دهند، از نظر عقل، قبیح نبوده و عرف و عقلاء نیز آن را به حساب نمی‌آورند. سید یزدی در مسائل مختلف فقهی، بدین مطلب اشاره کرده است (یزدی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۷۱، ۱۷۴، ۶۱۶)؛ همچون عبارت ایشان در شرایط تیمم (ترس از استعمال آب) (یزدی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۷۰) که فقهاء متأخر از ایشان، بر آن حاشیه‌ای نزده‌اند؛ که نشان‌دهنده پذیرش این مطلب از جانب آنها است.

برخی از فقهاء ضابطه و قید دیگری برای حرمت اضرار آورده‌اند که اضرار، «در حد هلاکت نفس یا جنایت بر نفس» حرام است. همچون محقق خویی که حرمت اضرار به نفس را منحصر در هلاکت نفس و قطع عضو دانسته است (خوئی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۵۴۸)؛ اما این تقیید، صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا مستند اصلی در حرمت اضرار به نفس، عقل و روایت لاضرر است که هر دو مطلق بوده و شامل ضرر با هلاکت و جنایت و بدون آن دو هستند؛ عقل در جایی که تحمل ضرر، غرض عقلایی نداشته و آن ضرر معتنا به باشد، هرچند هلاکت و جنایت نباشد، حکم به قبیح اضرار به نفس می‌کند؛ برای فهم مفاهیم موجود در روایات نیز باید به عرف مراجعه کرد که عرف نیز مفهوم ضرر را منحصر در موارد هلاکت و جنایت نمی‌داند. در عبارات فقهاء که قبل از این گذشت نیز، اضرار به نفس به صورت مطلق، حرام شمرده شد. برخی از فقهاء همچون شهید ثانی، به صراحت، ضررهایی که به هلاکت و جنایت منجر نشوند را نیز حرام شمرده‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۷۰). خود محقق خویی نیز در کتاب فتوایی خود، ملاک حرمت را ضرر معتد به، دانسته است (خوئی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۴۷).^۱

با توجه به مطالب پیشین، می‌توان نتیجه گرفت که تولید زیاد پسماند با توجه به آسیب‌ها و ضررهای معتدبه جدی و متعددی که برای محیط زیست ایجاد می‌کند، اضرار به غیر بوده و در مواردی نیز می‌تواند مصداق جنایت بر نفس باشد. اغراضی مانند راحتی بیشتر یا زندگی تشریفاتی‌تر، با توجه به میزان ضررهای این کار - به خصوص در دهه اخیر و سال‌های پیش‌رو اگر این معضل، صحیح مدیریت نشود - عقلایی نبوده و در نتیجه، تولید زیاد پسماند، مصداقی برای اضرار به نفس حرام شمرده می‌شود.

۲-۳. تولید زیاد پسماند و اضرار به غیر

موضوع فقهی دیگری که بر تولید زیاد پسماند تطبیق می‌شود، «اضرار به غیر» است که در این قسمت بررسی خواهد شد.

۲-۳-۱. آسیب‌های تولید پسماند بر غیر

چنانچه گذشت، تولید زیاد پسماند، هم باعث آسیب‌ها و ضررهای جدی به محیط زیست می‌شود و هم خود فرد متحمل آن می‌شود. این آسیب، به دیگران نیز وارد می‌شود و حتی اگر اضرار به نفس بودن

۱. «تحرم السموم القاتلة و کل ما یضر الإنسان ضرراً یعتد به».

این کار را نپذیریم، بنابر مطالعات بین‌المللی، باعث آسیب‌ها و ضررهای جدی برای افرادی می‌شود که در ده کیلومتری خاک‌چال‌های پسماند هستند. مانند بیمارهای گوناگونی -از قبیل سل، آسم، دیابت و حتی افسردگی که بنابر این مطالعات، ناشی از قرار گرفتن در معرض این خاک‌چال‌ها است- آلوده کردن منابع آب زیرزمینی، تخریب کشاورزی منطقه نیز ناشی از گسترش خاک‌چال‌های پسماند، تخریب زیست‌بوم منطقه به جهت آلوده کردن آب‌وهوای منطقه و گسترش جوندگانی همچون موش است (Tomita & et al., 2020).

۲-۳-۲. حرمت اضرار به غیر

اضرار به غیر همچون اضرار به نفس، در کلام فقهاء جداگانه نیامده؛ اما در عبارات فقهاء متقدم و متأخر به حرمت آن اشاره شده است؛^۱ و با مطرح شدن بحث از حدیث و قاعده لاضرر، بسیاری از فقهاء به این حکم تصریح کرده‌اند.^۲ این حکم باید از دو جهت بررسی شود: ۱. مستند آن؛ ۲. بررسی موضوع و ضابطه صدق اضرار حرام.

۲-۳-۳-۱. مستند حرمت اضرار به غیر

شاید آیات، روایات و عقل، مستند این حکم شمرده شوند:

برخی از آیات بر حرمت اضرار به غیر دلالت دارند؛ از جمله آنها آیه شریفه «لَا تُضَارَّ الْوَلَدَةُ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ» (بقره، ۲۳۱) که بر حرمت اضرار والد بر فرزند و بالعکس آن دلالت دارد. آیه شریفه «وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا» (بقره، ۲۳۳) نیز بر حرمت اضرار به غیر دلالت دارد. آیه شریفه «وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفْعَلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ» (بقره، ۲۸۳) نیز از اضرار کاتبان و شاهدان بر غیرشان نهی کرده است. در رابطه با همه این آیات، این نکته قابل طرح است که هریک از این آیات، در مورد خاصی همچون «اضرار والد

۱. «يجرى ذلك مجرى دفع الضرر عن النفس في انه يحسن و ان أدى الى الإضرار بغيره» (طوسی، ۱۴۰۰، ص ۱۵۰). «لو خيف على الحائط السقوط ففى جواز الإبقاء نظر». أقول: منشأ من أنه إبقاء لحق فكان له ذلك. و من استلزامه سقوط الحائط، و هو إضرار بالغير مع اقتضائه زوال جذوعه فلا فائدة فى إبقائه، بل هو مجرد إضرار بالغير» (اعرجی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۵۹۵). «لأن فى الإنفاق عليه من بيت المال إضرارا بالمسلمين، فكما يمنع من الإضرار بماله كذلك يمنع من الإضرار بغيره» (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۵۳).

۲. «نعم يمكن أن يستفاد منه تحريم الإضرار بالغير من حيث إن الحكم بإباحته حكم ضرري فيكون منقيا في الشرع» (انصاری، ۱۴۱۴ق، ص ۱۱۶)؛ «مجرد الخوف على النفس مثلا، لا يجدي في جواز ظلم الغير مثلا للدفع عن النفس من دون الإلزام و إلجاء إلى ذلك، ضرورة حرمة الضرر في الإسلام» (صاحب جواهر، ۱۴۰۳ق، ج ۲۲، ص ۱۶۷)؛ «اضرار بالغير و هو غير جائز لعموم قوله ص لا ضرر و لا ضرار» (طباطبایی، بی‌تا، ص ۲۳۶)؛ «... بل لعموم حرمة الإضرار بالغير» (حکیم، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۵۵۲).

به ولد» و «اضرار زوج طلاق دهنده به همسر مطلقه خود» هستند و نمی‌توان از هیچ‌یک از این آیات، حکم عام حرمت اضرار به غیر را برداشت کرد. در آیه شریفه «وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةً وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتُ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ ذَيْنِ غَيْرِ مُضَارٍّ» (نساء، ۱۲) نیز به اضرار به غیر اشاره شده است. در این آیه، وصیتی که به ورثه ضرر نزند، نافذ شمرده شده و اما بر حرمت اضرار به غیر، دلالتی ندارد.

روایات نیز از مستندات این حکم محسوب می‌شوند؛ همچون صحیح‌ه محمد بن علی بن محبوب «كَتَبْتُ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلٌ كَانَتْ لَهُ قَنَاءٌ فِي قَرْيَةٍ فَأَرَادَ رَجُلٌ أَنْ يَحْفَرُ قَنَاءَ أُخْرَى إِلَى قَرْيَةٍ لَهُ كُمْ يَكُونُ بَيْنَهُمَا فِي الْبُعْدِ حَتَّى لَا يَضُرَّ بِالْأُخْرَى فِي الْأَرْضِ إِذَا كَانَتْ صُلْبَةً أَوْ رِخْوَةً فَوَقَّعَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى حَسَبِ أَنْ لَا يَضُرَّ أَحَدَاهُمَا بِالْأُخْرَى إِنْ شَاءَ اللَّهُ قَالَ وَكَتَبْتُ إِلَيْهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلٌ كَانَتْ لَهُ رَحَى عَلَى نَهْرٍ قَرْيَةٍ وَ الْقَرْيَةُ لِرَجُلٍ فَأَرَادَ صَاحِبُ الْقَرْيَةِ أَنْ يَسُوقَ إِلَى قَرْيَتِهِ الْمَاءَ فِي غَيْرِ هَذَا النَّهْرِ وَيُعْطِلَ هَذِهِ الرَّحَى أَلَهُ ذَلِكَ أَمْ لَا فَوَقَّعَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَتَّقِي اللَّهَ وَيَعْمَلُ فِي ذَلِكَ بِالْمَعْرُوفِ وَلَا يَضُرُّ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۹۳) که سند آن صحیح‌ه است؛ زیرا راویان آن به ترتیب، کلینی، محمد بن یحیی العطار و محمد بن الحسن الصفار هستند، که همگی توثیق خاص دارند.^۱ از نظر دلالتی نیز، سؤال در صدر آن، نشانه آن است که حرمت اضرار به غیر نزد سؤال‌کننده، پیش‌فرض بوده است و امام حسن عسگری (ع)^۲ نیز این پیش‌فرض را رد نکرده و در پاسخ، به آن چیزی که در عرف مضرّ است، احواله داده‌اند. در ذیل نیز امام (ع)، از ضرر رساندن به برادر مؤمن نهی کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین مستندات، روایت نبوی لا ضرر است که فرمودند: «لا ضرر ولا ضرار» (عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۳۶۴). چنانچه گذشت، سند این روایت بحثی نداشته و درباره نحوه دلالت آن، پنج نظر شاخص مطرح است: ۱. نهی از اضرار به نفس و اضرار به غیر (شریعت اصفهانی، بی‌تا، ص ۲۴-۲۷)؛ ۲. نفی حکم ضرری (انصاری، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۳۷)؛ ۳. نفی حکم ضرری با لسان نفی موضوع (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۸۱)؛ ۴. حکم حکومتی بر منع از اضرار مردم به یکدیگر^۲؛ ۵. نفی حکم ضرری در قسمت لا ضرر و تسبیب به عدم اضرار، در قسمت لا اضرار.^۳ نظر اول و چهارم، مقتضی دلالت روایت بر حرمت اضرار به غیر هستند. نظر پنجم نیز به

۱. «محمد بن یعقوب الکلینی، یکتی أبا جعفر، ثقة، عارف بالأخبار» (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۳۹۳). «محمد بن یحیی أبو جعفر شیخ أصحابنا فی زمانه، ثقة، عین» (نجاشی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۵۳)؛ «محمد بن الحسن بن فروخ کان وجهاً فی أصحابنا القمیین ثقة عظیم القدر راجحاً قلیل السقط فی الروایة» (علامه حلی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۵۷).

۲. تهذیب الاصول، ج ۳، ص ۱۱۲.

۳. «و المختار فی معنی الحدیث: إن مفاد القسم الأول منه وهو قوله (لا ضرر) ما ذهب إليه الشيخ الأنصاري من نفی التسبیب إلى الضرر بجعل الحكم الضرري. و أما القسم الثاني منه وهو (لا ضرار) فإن معناه التسبیب إلى نفی الإضرار» (سیستانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۹۱).

تصریح طرفداران آن، همچون آیت‌الله سسیتانی، مقتضی این دلالت است.^۱ اما برای اقتضای نظر دوم و سوم نسبت به این دلالت، بیان‌های مختلفی هست. شیخ انصاری با این استدلال که، اباحهٔ اضرار به غیر، حکمی ضرری است و حدیث لاضرر این اباحه را نفی می‌کند، دلالت آن بر حرمت اضرار به غیر را پذیرفته است (انصاری، ۱۴۱۴ق، ص ۱۱۶). محقق خویی با بیان اینکه لاضرر، تنها اقتضای نفی احکام لزومی را دارد، استدلال شیخ را نپذیرفته و برای دلالت حدیث لاضرر به حرمت اضرار به غیر، از دلالت مطابقی فقرهٔ دوم بهره گرفته است (خونی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۵۳۳).

عقل، مستند دیگری برای حرمت اضرار به غیر است. به همان بیانی که دربارهٔ اضرار به نفس گذشت، از آنجا که «اضرار به غیر» ظلم محسوب شده و ظلم از نظر عقل، قبیح است؛ با ضمیمه کردن قاعدهٔ ملازمه، می‌توان حکم حرمت شرعی اضرار به غیر را نتیجه گرفت.

۲-۲-۳. ضابطه صدق اضرار به غیر حرام

معیار صدق موضوع اضرار به غیر همانند اضرار به نفس، عرف و عقل است. بنابر استفادهٔ حرمت «اضرار به غیر» از ادلهٔ نقلی همچون روایت لاضرر، هر آسیبی که عرف آن را ضرر بشمارد، مصداقی برای اضرار خواهد بود و بنابر استفادهٔ حرمت اضرار به غیر از عقل، هر آسیبی که عقل، آن را ظلم به دیگران بشمارد، قبیح و حرام خواهد بود.

تطبیق تولید زیاد پسماند بر اضرار به غیر، روشن است؛ زیرا افراد در معرض خاک‌چال‌های پسماند، آسیب‌های جدی می‌بینند و تولید زیاد پسماند، یکی از علت‌های این آسیب است؛ زیرا افزایش روزافزون آمار تولید پسماند، بر تعداد و گسترهٔ این خاک‌چال‌ها افزوده و در نتیجه، به تعداد افراد مذکور نیز افزوده می‌شود. تولید پسماند به قدری افزایش یافته که برخی کشورها همچون آفریقای جنوبی، سال آینده با معضل مکان خاک‌چال درگیر هستند (Tomita & et al., 2020). برخی از استان‌های ایران نیز با تکمیل ظرفیت خاک‌چال‌ها، در مدیریت پسماند مشکل یافته‌اند (لطفی، ۱۴۰۲/۱۲/۱۴). نبود مدیریت صحیح پسماند -مانند تجمع آنها در خاک‌چال‌های پسماند یا سوزاندن، امحاء غیراصولی یا نگه‌داری در خاک‌چال‌های غیراستاندارد- توسط ارگان‌های مسئول، به جهت آسیب‌های جدی این کار به محیط زیست، مصداق دیگری از اضرار به غیر است. البته این کار تا حدّی به ارگان‌های مسئول، مربوط بوده و تا حدّی به افرادی مربوط است که تولید پسماند توسط خود و خانواده‌شان و زیردستانشان را مدیریت نکرده و باعث تولید زیاد پسماند می‌شوند؛ زیرا محدود بودن منابع و امکانات، مانع از مدیریت همهٔ پسماندهای تولیدشده می‌شود. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دنیای اقتصاد، برخی از کشورهای اروپایی،

۱. «و بذلك يحتوي الحديث على مفادين: ۱. الدلالة على النهي عن الإضرار. ۲. والدلالة على نفی الحكم الضرري» (همان)

زباله‌های خود را به کشورهای فقیر فرستاده و این زباله‌ها در سواحل و آبراه‌های این کشورها می‌شوند؛ باعث شده اتحادیه اروپا قانون منع صادرات زباله از سال ۲۰۲۶ میلادی را تصویب کند (روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۴۰۲/۰۸/۲۸). همچنین واحدهای صنعتی که پسماندهای خود را مدیریت نکرده یا به‌خاطر به‌کارگیری روش‌ها و ابزار آلات قدیمی یا ارزان بودن مواد اولیه، پسماند زیادی تولید می‌کنند نیز باعث بروز این آسیب‌های جدی به محیط زیست و در نتیجه، خود و دیگران هستند.

۲-۳-۳. پاسخ به چند سؤال مهم

درباره مصادیق مذکور باید به سه سؤال پاسخ داده شود: ۱. تولید زیاد پسماند، توسط یک نفر و در یک نوبت، اضرار شمرده نمی‌شود؛ بلکه تولید زیاد پسماند، در چند نوبت (مثلاً یک سال) منجر به اضرار می‌شود. این سؤال در این رابطه مطرح است که آیا ادله حرمت اضرار، این نحوه را هم شامل می‌شود؟ ۲. منع افراد از تولید زیاد پسماند همان منع از برخی نحوه‌های مصرف است؛ و این سؤال در این باره مطرح می‌شود که این منع، اضرار به مالک نیست؟ و اگر اضرار به او است، در تعارض این دو ضرر، کدام مقدم‌اند؟ ۳. جلوگیری از برخی از این مصادیق، باعث ضررهایی همچون مخارج نوسازی ابزار تولید، یا مخارج مدیریت صحیح پسماند تولیدشده برای صاحبان صنایع و سختی مصرف کمتر و بهینه برای افراد می‌شود؛ و باید بدین سؤال پاسخ داد که آیا این ضررها با ضررهای تولید زیاد پسماند در تعارض نیستند؟ در صورت تعارض، راه حل چیست؟

در رابطه با سؤال نخست، با توجه به اینکه اضرار به غیر در ادله نقلی، مطلق بوده و نیز برخی از موارد مطرح در روایات -همچون اضرار سمرقین جندب بر فرد انصاری که در اثر تکرار سرزدن‌های ناگهانی او به درختش در خانه فرد انصاری بود-، این ادله، اضرار به غیری که ناشی از تکرار یک عمل باشد را هم شامل می‌شوند. همچنین، اضراری که در اثر تکرار کاری پدید آید نیز ظلم بوده و حکم عقل نسبت به قبح و لزوم اجتناب از آن را در پی دارد. مؤید این مطالب، حکم برخی از فقهاء در موارد مشابه است که از عملی مضر به صورت مطلق نهی کرده‌اند، چه به تنهایی، مضر باشد و چه در اثر تکرار، منجر به ضرر شود. امام خمینی این مطلب را در مورد استعمال مواد مخدر مطرح کرده است (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۱۴۵).

فقهاء درباره سؤال دوم، پاسخ‌های متفاوتی دارند. شیخ انصاری با بیان تعارض بین این دو ضرر، راه حل را مراجعه به قاعده اولی «الناس مسلطون علی اموالهم» و در نتیجه، تقدیم مالک دانسته است (انصاری، بی تا، ج ۲، ص ۵۳۸). شهید صدر با بیان اینکه قاعده «الناس مسلطون علی اموالهم» مدرک معتبری جز اجماع و سیره عقلاء ندارد (شهید صدر، ۱۴۰۰، ج ۵، ص ۵۱۱)؛ اشکال کرده که هیچ‌یک از آنها اطلاق نداشته و در مورد شک، باید به قدر متیقن از آنها أخذ شود، که قدر متیقن از آن دو، سلطنت در امور غیر مضرّ به دیگران است. پاسخ دیگر این است که، این قاعده تنها بر جواز تصرف در مال از جهت

اتلاف یا تصرف بودن، دلالت دارد و از منع و عدم منع از حیثیات دیگر ساکت است.^۱

شاید نسبت به دلیل لاضرر اشکال شود که مفاد حدیث لاضرر، امتنانی بودن این قاعده است و منع افراد از تصرفات دلخواه در مالشان، خلاف این امتنان است. شهید صدر به این اشکال پاسخ داده که، امتنانی بودن قاعده لاضرر مقتضی این است که در حق کسی که این قاعده برای ضرر دیدن او جاری می‌شود، ارفاق و تسهیل باشد، نه در حق دیگران (همان، ص ۵۱۲). نظر وی در این مسأله صحیح بوده و از اساس، ضرری که به جهت منع از تصرف مطرح شد، مبتنی بر اطلاق قاعده «الناس مسلطون» بوده که در موردی که اضرار به غیر باشد، اطلاقی نداشته و در نتیجه از این جهت، ضرری بر فرد وارد نمی‌شود.

در مورد سؤال سوم، ابتدا باید بدین نکته تذکر داد که عرف باید آن را ضرر بشمارد و اگر فردی غذا، میوه، نان، کیسه پلاستیکی و... را به اندازه نیازش تهیه کند تا پسماند کمتری تولید شود؛ عرف، آن را ضرر نمی‌شمارد. در فرض صدق ضرر همچون هزینه کردن برای نوسازی ابزارآلات و...، ضرر دیدن مالک با ضرر دیدن غیر، تعارض می‌کند که فقهاء در این باره بحث‌های فراوانی داشته و اقوال متعددی مطرح است که سه نظر ذیل مهم‌تر هستند:

۱) تقدیم مالک، به جهت رجوع به اصل اولی «الناس مسلطون علی اموالهم» (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵۳۸)؛

۲) تفصیل بین حد ضرر و غرض از ضرر، چنانچه به حدی باشد که تصرف در مال غیر محسوب شود، حرام است و همچنین چنانچه فرد، غرض و نفعی ندارد و تنها به غرض ضرر به دیگران انجام می‌دهد، حرام است؛ در غیر این صورت، ذیل حدیث «لاضرر»، اضرار به غیر را نفی کرده و صدر آن، لزوم ضرر به خود را نفی می‌کند و بعد از تعارض آنها، هر دو تساقط کرده و به عمومات یا اصل برائت مراجعه می‌کنیم (خونی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۵۶۴)؛

۳) اطلاق نداشتن قاعده «الناس مسلطون» و رجوع به سیره عقلاء بر تفصیل بین جایی که مالک، ضرر بسیار ناچیزی در قبال ضرر دیگری می‌برد و غیر آن، که در صورت اول، عقلاء حق را به غیر داده و در غیر آن، مالک مقدم است (شهید صدر، ۱۴۰۰، ج ۵، ص ۵۱۲). حاصل اینکه، مشهور، با استدلال‌های متفاوت، فی الجمله مالک را بر غیر مقدم دانسته‌اند. اما آیت‌الله سیستانی غیر را بر مالک مقدم کرده است؛ زیرا بر فرض قصور حدیث «لاضرر» برای حل این مورد، ادله حرمت مال مسلم در اینجا مرجع واقع می‌شوند؛ چون اضرار به غیر یا تصرف حقیقی در مال غیر است و یا تصرف حکمی در آن است؛ همچون آهنگری در مناطق مسکونی. اطلاعات ادله «حرمت مال مسلم»، هر دو نوع تصرف را

۱. «ان كانت تدل علی جواز التصرف إلا انها تدل علی جوازه من حیث هو تصرف أو إتلاف للمال و اما المنع من ناحیه أخرى تکلیفاً أو وضعاً فلا یمكن ان ینفی بهذه القاعدة و منها حرمة من ناحیه کونه إضراراً بالآخرین» (همان).

شامل بوده و بعد از فرض سقوط حدیث لاضرر، باید به این اطلاعات مراجعه شود.^۱ نظر ایشان با توجه به مرجع نبودن قاعده سلطنت و نیز بطلان مراجعه به اصل برائت در صورت «وجود اماره بر تکلیف» صحیح است؛ افزون بر اینکه برخی همچون استاد شهیدی این مباحث را در فرضی می‌دانند که اضرار به غیر، به اندازه ظلم و عدوان نباشد^۲ که بعید نیست محل بحث نیز از این قبیل باشد.

۳. نتیجه‌گیری

«تولید زیاد پسماند» متعلق حکم تکلیفی «حرمت اسراف» و «حرمت اضرار به نفس» و «حرمت اضرار به غیر» است. چنانچه تولید زیاد پسماند، ناشی از بهره‌بری ناصحیح از کالا یا دور ریختن اشیائی باشد که هنوز بهره بردن از آن امکان دارد، مصداق اسراف تلقی شده که علاوه بر ادله ناهی از مطلق اسراف، روایاتی که از «القاء النوی» به اسراف تعبیر کرده‌اند نیز بر حرمت آن دلالت دارند. فقهاء، هرچند این مسأله را جداگانه بررسی نکرده‌اند؛ اما عبارات ایشان در برخی از مباحث همچون حرمت دور ریختن متنجّسات یا حرمت دور ریختن آب قلیل نجس، قابل تطبیق بر این مسأله است.

تولید پسماند، به محیط زیست آسیب زده و بیماری‌های گوناگون ایجاد می‌کند، و تولید زیاد آن «اضرار به نفس» نیز شمرده می‌شود. دلیل فقهاء برای حرمت «اضرار به نفس» قبح عقلی آن و روایات -به خصوص حدیث «لاضرر»- است، پس، هر آسیبی که عقل و عقلاء آن را قبیح بدانند یا آن چیزی که عرف آن را ضرر بشمارد، حرام است. فقهاء برای صدق «اضرار به نفس» ضوابط «نبودن غرض عقلایی» و «معتنا به بودن ضرر» را آورده‌اند؛ که تفسیری از صدق عرفی اضرار به نفس و موضوع حکم عقل به قبح آن است. برخی نیز معیار «در حد هلاکت نفس یا جنایت بر نفس بودن ضرر» را آورده‌اند که معیار صحیحی دانسته نشد.

تولید زیاد پسماند، آسیب‌هایی برای دیگران دارد -به خصوص افراد در معرض خاک‌چال‌های پسماند- پس «اضرار به غیر» نیز هست. فقهاء برای صدق اضرار به غیر، ضوابطی نیاورده‌اند؛ اما سه نکته در رابطه با آن مطرح است:

۱. ادله حرمت اضرار به غیر، اضرار ناشی از تکرار عمل را هم شامل می‌شوند؛ ۲. قاعده «الناس مسلطون علی اموالهم» در موردی که اضرار به غیر باشد، اطلاقی نداشته و صاحب مال از این جهت

۱. «أنه علی تقدیر قصور (لا ضرار) فیمکن الرجوع إلى غیره من الأدلة الدالة علی حرمة مال الغير، فإن الإضرار بالغير إما أن يكون بالتصرف الحقيقي في ماله و لو علی نحو التولید، کوهن الحائظ بسريان الرطوبة، وإما أن يكون بالتصرف الحكمي فيه كما لو بنی معمل دباغة أو حدادة في منطقة سكنية مما یوجب عدم قابلية الدور المجاورة للسكنی، وفي کلتا الصورتین یكون المالك بعمله هذا قد ألغی احترام مال الغیم» (سیستانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۳۴).

۲. «الا أن يكون الاضرار بحدّ یوجب صدق عنوان الظلم و العدوان علیه او التصرف في مال الغير او اتلافه فلا يكون حينئذ اشکال في حرمة» (شهیدی، بی تا، ج ۵، ص ۴۲۴).

ضرری نمی‌بیند تا با اضرار به غیر تعارض کند؛

۳. گرچه منع فرد از تولید زیاد پسماند، اضرار به او بوده و این اضرار با اضرار به غیر تعارض دارد، اما در بسیاری از موارد، این کار، اضرار به فرد نیست؛ ثانیاً اگر هم اضرار به فرد باشد، غیر بر مالک مقدم می‌شود؛ همچنین صدق ظلم و عدوان بر تولید زیاد پسماند نیز موجب می‌شود که از ابتدا در تعارض با اضرار به مالک قرار نگیرد.



منابع

قرآن کریم.

- آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۹ق). کفایه الاصول. قم: موسسه آل البيت، ج ۲.
- ابن ادریس، محمد بن احمد (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ج ۳.
- ابن زهره، حمزه بن علی (۱۴۱۷ق). غنیة النزوع إلى علمی الأصول والفروع. قم: مؤسسة الإمام الصادق، ج ۱.
- ابوالصلاح حلبی، تقی بن نجم (بی تا). الکافی فی الفقه. اصفهان: مکتبه الإمام أميرالمؤمنین علی (علیه السلام) العامة.
- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۱۰ق). مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان. قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ج ۸.
- اعرجی، عبدالمطلب بن محمد (۱۴۱۶ق). كنز الفوائد فی حل مشكلات القواعد. قم: موسسه النشر الاسلامیه، ج ۱.
- انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۵ق). المكاسب. قم: كنگره، ج ۱.
- انصاری، مرتضی بن محمدامین (بی تا). فرائد الاصول. قم: موسسه النشر الإسلامی، ج ۱-۲، چاپ پنجم.
- انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۴ق). رسائل فقهیه. قم: مجمع الفكر الإسلامی.
- بجنوردی، حسن (۱۳۷۷). القواعد الفقهیه. قم: نشر الهادی، ج ۱.
- بحرالعلوم، محمدمهدی بن مرتضی (۱۳۸۵). مصابیح الأحكام. قم: میثم التمار، ج ۱، چاپ دوم.
- بحرانی، یوسف بن احمد (۱۳۶۳). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ج ۱، چاپ دوم.
- تبریزی، جواد (۱۴۲۹ق). تنقیح مبانی العروة (الطهارة). قم: دار الصدیقة الشهیده، ج ۱
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۸). بهداشت عمومی. تهران: ارجمند، ج ۱، ویراست چهارم.
- حسینی شیرازی، محمد (۱۴۲۰ق). البیئة. بیروت: موسسه الوعي الاسلامی.
- حکیم، محسن (۱۳۷۴). مستمسک العروة الوثقی. قم: دار التفسیر، ج ۱، ۱۴.
- حلبی (ابو الصلاح)، تقی بن نجم، (بی تا). الکافی فی الفقه، چاپ اول، مکتبه الإمام أميرالمؤمنین علی (علیه السلام) العامة، اصفهان.
- حلی، حسین (۱۳۸۲). دلیل العروة الوثقی. نجف: مطبعة النجف، ج ۱.
- خامنه ای، سید علی (۱۴۲۰ق). أجوبة الاستفتاءات. بیروت: الدار الإسلامیة، چاپ چهارم، ج ۱.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۹۲). تحریر الوسیله. تهران: مؤسسة تنظیم و نشر آثار الإمام الخمینی. تهران: چاپ سوم، ج ۲
- خوانساری، حسین (۱۳۱۱ق). مشارق الشموس فی شرح الدروس. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ج ۳.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۷ق). مصباح الاصول. قم: انصاریان، ج ۲.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ق). موسوعه الامام الخوئی. قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- خوئی، سید ابوالقاسم (بی تا). معجم رجال الحديث وتفصیل طبقات الرواه. بی نا، ج ۱۹.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ق). منهاج الصالحین. مدینه العلم آیت الله العظمی الخوئی، ج ۲، چاپ بیست و هشتم.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۱۵ق). الرسائل الأربع: قواعد أصولیه و فقهیه. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- سیستانی، سید علی (۱۴۱۲ق). قاعدة لا ضرر ولا ضرار. مکتب آیت الله العظمی السید السیستانی.

- شریعت اصفهانی، فتح الله (بی تا). *قاعدة لاضرر*. قم: موسسه نشر الاسلامی.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۷ق). *الدروس الشرعية فی فقه الإمامیة*. قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ج ۱.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق). *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*. قم: مؤسسة المعارف الإسلامیة، ج ۱، ۱۲، ۴، چاپ دوم.
- شهید صدر، محمدباقر (۱۴۰۰). *بحوث فی علم الأصول*. مقرن: سید محمود هاشمی شاهرودی. قم: مؤسسة دائرة معارف الفقه الاسلامی، ج ۵-۶، چاپ سوم.
- شهیدی، محمدتقی (بی تا). *مباحث الأصول (الحجج)*. بی تا، ج ۵.
- صاحب جواهر، محمدحسن (۱۴۰۳). *جواهر الکلام*. قم: دار إحياء التراث العربی، ج ۲۲.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۳). *من لا یحضره الفقیه*. قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ج ۲-۴.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۵ق). *التوحید*. قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ج ۱، چاپ پنجم.
- طباطبای کرلایی، علی بن محمدعلی (۱۴۱۸ق). *ریاض المسائل*. قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ج ۲.
- طباطبای، محمد بن علی (بی تا). *المناهل*. قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الإمامیة*. تهران: مكتبة المرتضوية، ج ۱، ۶، چاپ دوم.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵). *تهذیب الأحکام*. تهران: دارالکتب الإسلامیة، ج ۱.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰). *النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوى*. بیروت: دارالکتب العربی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰). *الاقتصاد الهادی إلى طریق الرشاد*. تهران: چهل ستون.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۰ق). *التهرست*. قم: مكتبة المحقق الطباطبائي.
- عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*. قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ج ۵-۷، چاپ دوم.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۲ق). *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*. مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة، ج ۱، چاپ سوم.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۳۸۱). *ترتیب خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ج ۱.
- علم الهدی، سیدمرتضی (۱۳۷۶). *الذریعة إلى أصول الشریعة*. تهران: دانشگاه تهران، ج ۲.
- فخرالمحققین، محمد بن حسن (۱۳۸۷). *ایضاح الفوائد فی شرح إشکالات القواعد*. قم: اسماعیلیان، ج ۲.
- قانتی، محمد (۱۴۲۴ق). *المبسوط فی فقه المسائل المعاصرة (المسائل الطیبة)*. قم: مرکز فقه الأئمة الأطهار، ج ۱، چاپ دوم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. قم: دارالکتب الإسلامیة، ج ۴-۶.
- مجلسی، محمدتقی (بی تا). *روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*. بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور، ج ۶-۲، ۴.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن (۱۳۶۴). *المعتبر فی شرح المختصر*. قم: مؤسسه سید الشهداء، ج ۲.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۰ق). *المقنعة*. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
- موسوی خوانساری، احمد (۱۳۵۵). *جامع المدارک*. تهران: مكتبة الصدوق، ج ۵.
- موسوی سبزواری، عبد الاعلی (۱۴۱۳ق). *مهذب الأحکام فی بیان الحلال والحرام*. قم: مؤسسه المنار، ج ۱.

- نائینی، محمدحسین (بی تا). *اجود التقریرات*. مقرّر: سید ابوالقاسم خویی. قم: کتابفروشی مصطفوی، ج ۱.
- نائینی، محمدحسین (۱۳۷۶). *فوائد الاصول*. مقرّر: محمدعلی کاظمی خراسانی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۲.
- نجاشی، احمد بن علی (بی تا). *رجال النجاشی*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۱.
- یزدی، محمدکاظم (۱۴۲۱ق). *العروة الوثقی فیما یعم به البلوی*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۲.
- لطفی، غزل (۱۴۰۲/۱۲/۱۴). «لندفیل» ها در گستره گیلان. *روزنامه اعتماد*. قابل دسترس در: <https://www.pishkhan.com/news/316181>
- طهماسبی، رمضان (۱۳۹۱/۰۹/۱۴). سی و دو چاه آب آلوده مسدود شد. خبرگزاری مهر، قابل دسترس در: <https://B2n.ir/h77170>
- عظیمی، سیده بهاره؛ اله قلی پور، غلامرضا؛ عظیمی، یوسف (۱۴۰۱). اثرات محیط زیستی ورود پسماندهای پلاستیکی به دریا و روش های مدیریت آن. *پژوهش و فناوری محیط زیست*، شماره ۷، ص ۹۱-۱۰۶.
- ممنوعیت صادرات زباله پلاستیکی از ۲۰۲۶. *روزنامه دنیای اقتصاد* (۱۴۰۲/۰۸/۲۸)، شماره ۵۸۷۸. قابل دسترس در: <https://B2n.ir/z98666>
- Tomita, A. & et al. (2020). Exposure to waste sites and their impact on health. *The Lancet Planet Health*, 4(6).
- Carroll, G.J., Thurnau, R.C. & Fournier, D.J. (1995). Mercury Emissions from a Hazardous Waste Incinerator Equipped with a State-of-the-Art Wet Scrubber. *Journal of the Air & Waste Management Association*, 45(9), p. 730-736.